



2016/05/23

عارف عباسی

اندر باب توافقنامه صلح با حزب اسلامی!

صلح چه کلمه زیبا است، و در پهنای آن چه معانی بزرگی نهفته که با راه آدمیت پیوند خورده و متجلی کمال فضیلت آدمی است. در راهی که خون نیست و آتش طغیان ندارد، ویرانی نیست و تباهی را راهی نیست رهروانش بیهراس شب و روز با مصونیت جسمانی و راحت روانی گذرانیده با قافله عمر در سفر اند، صلح بین دو فرد، دو خانواده، دو قوم، دو حزب، دو کشور پایان خصومت و کدورت و درب گشای صفا و صمیمیت هم دگر پذیری است.

در موجودیت صلح جوامع مجال دور اندیشی یافته برای بهبود حال خویش تدابیری بکار می برند و مراودات باشندگان با حسن سلوک تحکیم می یابد. در صلح مرگ حکم بدون قید و شرط قانون طبیعت است نه مولود طغیان وحشت و بربریت بنی نوع بشر. صلح آرامش بخش روان آدمی بوده اندیشه هایش را به سوی کاویدن و پالیدن به جولان انداخته تا برای رفاه و سعادت هم نوعان وسائل و امکانات بهتر بیافریند.

ملت افغانستان از سالیان درازی صلح را گم کرده اند و باز یافتن آن آرزوی قلبی هر انسان خیر اندیش و نوع پرور است ولی تا حال صلح در زندان های امیال سود جویان سیاسی بیرونی و خون خواران داخلی در اسارت است.

شنیدن زمزمه صلح در گوش ها چون نوای عندلیب خوش الحان شادی آفرین و امید بخش است. مسوده مؤافقتنامه صلح بین جمهوریت اسلامی افغانستان و مخالف مسلح و جنگنده حزب اسلامی که در 3 فصل و 25 ماده تدوین و امضای شورای عالی صلح جمهوریت اسلامی افغانستان، آقای گلبدین حکمتیار امیر حزب اسلامی و داکتر اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان آن را نهایی ساخته و به ولسی جرگه برای بحث، غور و تعدیلات لازم فرستاده خواهد شد که بعد از قبولی و منظوری نمایندگان ملت! به حیث یک سند قانونی در معرض تطبیق قرار خواهد گرفت.

تبصره بر محتویات و مواد مندرج این موافقتنامه الا نهایی شدن و مراحل قانونی را سپری نمودن قضاوت پیش از وقت است و اما میتوان بر عمومیات نکاتی چند ابراز نمود.

گلبدین حکمتیار چهره شناخته شده و تندرو دینی در جامعه افغانستان در طول 45 سال از آغاز فعالیت های سیاسی اش در داخل، رفتنش به پاکستان و اولین فعالیت مسلحانه وی علیه جمهوریت افغانستان، به زعامت شهید محمد داوود خان، توسط تحریک پاکستان، متعاقباً با بهتر شدن روابط بین پاکستان و افغانستان حکمتیار به توصیه ای اس آی گوشه عزلت گزیدن و معاش مستعمری حاصل نمودن. سپس با ایجاد دولت دست نشانده اتحاد جماهیر اشتراکیه شوروی و قوای اشغالگر آن کشور به حیث رهبر یک تنظیم مسلح، منظم و قوی و گیرنده بیشترین کمک های خارجی و داشتن روابط محکم و نزدیک با مؤسسات دینی، استخباراتی و نظامی پاکستان قد علم نموده و با استفاده از جمیع امتیازات نقش وی در دوران جهاد براننده تر و صدایش رساتر بود.

در سال 2001 به حزب وی در کنفرانس بن به حیث یک جریان ذیدخل سیاسی حق اشتراک داده نشد. حکمتیار طریق مبارزه مسلحانه علیه حکومت افغانستان و نیروهای نظامی خارجی پیشه کرد که در حملات مسلحانه قربانیان بیگناه افغان بیشتر از عساکر خارجی بود، گرچه به وضاحت ریشه این فعالیت های مسلحانه (طالبان و حزب اسلامی) از یک منبع آب می خورد اما در عمل نشانه هماهنگی وحدت عمل و نظر بین دو جریان در دست نیست.

در مورد سوابق، کارنامه ها، طرز تفکر سیاسی و نحوه ستیز های مسلحانه و نشیب و فراز سیاسی حکمتیار و حزب اسلامی کتب، رسالات و مقالات بیشماری از طرف مخالفین و هواخواهان او نوشته شده.

در زمان خروج قوای نظامی شوروی از افغانستان هم رزمان حزب اسلامی در جهاد و مقاومت با این حزب گسستند و با ائتلافات با دشمنان قدیم علیه گلبدین سنگر مشترک ساخته نبرد های خونین با تلفات سنگین برای کسب ساحات بیشتر نفوذ به وقوع پیوست. از تعهدات رهبری متناوب خلاف توافقنامه ها صورت گرفته و در نتیجه کشمکش خونین قدرت طلبی قتل و بربادی و تباهی در مملکت به وقوع پیوست.

گلبدین حکمتیار را مشخصات و تعریفات جنایات جنگی و ناقضین حقوق بشر در صف جنایتکاران جنگی چون دوستم، ربانی، احمدشاه مسعود قسیم فهیم، عبدالله عبدالله، مؤتلفین جدا شده از حزب پرچم، سیاف، محقق، مزاری و خلیلی و صدها افسر حزب دموکراتیک خلق قرار می دهد. چون در سیزده سال حکومت حامد کرزی جنایتان جنگی به حیث اراکین بلند مرتبت توسط زلمی خلیلزاد عنان قدرت را به دست گرفتند عدالت خواهی جزء خیالات و محالات شد، حامد کرزی راپور 800 صفحه بی سازمان حقوق بشر را بنا بر موجودیت مرتکبین این جنایات در حکومتش و مخصوصاً اعمال نفوذ قسیم فهیم زیر زانو زد. حالا در یکی از مواد این موافقتنامه صلح از رئیس جمهور خواسته شده که طی فرمانی برای حکمتیار و رهبران حزب اسلامی به ارتباط اقدامات سیاسی و نظامی گذشته مصونیت قضایی فراهم نماید. (آیا رئیس جمهور از لحاظ قانونی دارای چنین صلاحیت است؟).

ویرانی قسمت عمده شهر کابل که در ساحه توان راکت های گلبدین بود تخریب گردید ولی نواحی دورتر از ساحه انداخت راکت های حزب اسلامی توسط بمباردمان توپ های ثقیل و راکت تنظیم های جمعیت اسلامی، شورای نظار، حزب وحدت و عبدالرسول سیاف ویران شد و شهر کابل یگانه شهر آباد مانده به توده های خاک مبدل گشت و یک حالت مافوق تصور فاجعه بزرگ بشری و ظلمت بی سابقه فضای کابل را پیچانده و صد ها هزار ساکنین شهر بی خانه و بی سرپناه شده تارک وطن گردیدند.

در قتل 65000 باشندگان کابل مسؤولیت این جنایات بدوش همه رهبران این جنگ های فرقوی به شمول گلبدین است. حالا سؤال پیدا می شود که این تحول، این انعطاف و این صلح جویی ابتکار عمل شخص حکمتیار و مشاورین اوست و یا دستور پاکستان برای زمینه سازی کشاندن طالبان به میز مذاکره.

در هر دو حالت این تحول یک پدیده امید وار کننده برای ملت افغانستان است که در طول چندین دهه تلفات بی شمار جانی و ویرانی و تباهی را متحمل گردیده با ترس و ارباب شب و روز گذرانیده صدمات روانی آن خلاق اضطراب و دلهره و واهمه بوده. حالا حد اقل یک جریان مخالف مسلح حاضر به صلح گردیده و تعهد به زمین ماندن اسلحه را می سپارد. در سرزمینی که کبوتران سپید صلح از سال ها بدین سو رخت سفر بر بستند و زاغ و زغن جنگ، وحشت و بربریت در بوستان های خشکیده آرزو های مردم آواز بر آوردند.

تحول تعهد سپردن گلبدین به صلح و تبدیل این جریان از یک قوت مسلح جنگی به یک حزب فعال سیاسی و حق شمول در انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری را باید از دو پهلو دید:

1- تأثیرات داخلی.

2- نقش پاکستان در چنین تحول و عواقب آن.

در بخش 1 میتوان دو روش حزب اسلامی را پیش بینی نمود:

الف - ائتلاف با حزب سارقین قدرت جمعیت اسلامی و شاخه شورای نظار و شامل شدن در صحنه سیاسی به حیث یک بازی گر و سهامدار نو.

ب - فعالیت به حیث یک حزب مستقل سیاسی و با بازنگری به مش سیاسی خود با ایجاد تعدیلات و اصلاحات با جلب اعضای بیشتر و یا احزاب سیاسی دیگر را به خود ملحق ساختن.

در حالت دومی با رقابت مشروع و قانونی حزب اسلامی با گسترش و قوت گرفتن با قاعده و سיעتر ترازوی یک لبه قدرت حزب جمعیت و شورای نظار را متوازن خواهد ساخت.

2- اگر پاکستان طراح این تحول باشد نحوه تطبیق مواد مندرج این مؤافتنامه را تحت مذاقه قرار داده در پهنای چگونگی و عواقب آن تغییراتی را در موقف و خواسته های طالبان وارد کند.

با مطالعه مواد مندرج این مؤافتنامه در دو شرط قبلی حزب اسلامی برای صلح میتوان تغییر موقف دید.

- خروج قوای نظامی خارجی از کشور

- ایجاد حکومت بر مبنای شریعت اسلامی

در این مؤافتنامه به هر دو شرط پافشاری صورت نگرفته و اگر مگری در لای کلمات بکار رفته.

در صورت تطبیق مؤفقتانه این مصالحه احتمال آن می رود، با نا باوری، که پاکستان طالبان را در این قالب گنجانیده تغییری در موقف شان پیرامون خروج قوای اشغال گر، مذاکره نکردن با حکومت فعلی و شریعت اسلامی را اساس مش حکومت ساختن وارد نموده آن ها را به میز مذاکره بکشاند.

تذکرات فوق بر مبنای حدس و گمان بوده، توانمندی حکومت در برآوردن خواسته های حزب اسلامی و پابندی صادقانه حزب اسلامی به تعهداتش نکاتی است که گذشت زمان آن را جواب خواهد گفت.

اگر واقعاً پاکستان در پس پرده در این تحول نقشی داشته باز هم پیش بینی عواقب آن مشکل است و آن را باید به آینده موکول ساخت.

از یک جانب صلح با حزب اسلامی را به خوش بینی و خیر وطن می شماریم، ولی جنگ های فعلی تنظیمی ها توسط رقبای قدیمی در شمال خطر نومی برای صلح کشور به شمار می رود.

یادداشت عاجل:

مصرف نوشتن این مضمون بودم (شب 21 می ساعت 9 شب وقت کلیفورنیا) که خبر کشته شدن احتمالی ملا اختر محمد منصور امیر طالبان را از بی بی سی و نیویارک تایمز توسط طیاره درون (Drone) امریکا در حواشی سرحد افغانستان خواندم، گرچه هر دو منبع به طور قطعی کشته شدن اختر محمد منصور را تأیید نکردند و آن را تحت ارزیابی گفتند و مقامات طالبان آن را دروغ و بی اساس قلمداد کردند.

اگر این واقعه حقیقت پیدا کند کل منظر مسائل در ورای عکس العمل های سیاسی و نظامی تغییر فاحش نموده پیش بینی اوضاع را بیشتر مکرر می سازد.

شاید این مؤافتنامه صلح جان حکمتیار را از حمله درون حفظ کرده باشد.

پایان